سه‌شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۴
شماره ۴۴۵۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

واقعیت‌هایی از آمارهای اقتصادی در شرایط پساجنگ

بازار خودش را پیدا کرد

پانیذ رحیمی
خبرنگار گروه اقتصاد

نزدیک به دو هفته از اتمام جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم‌صهیونیستی علیه ایران می‌گذرد. یکی از سؤالات پرتکرار در این روزها، وضعیت فعلی و آتی بازارها و ازجمله بازار ارز و وضعیت بازار دارایی‌هاست. به‌زعم کارشناسان، درحال حاضر شاهد ثبات و آرامش نسبی در مسیر بازگشت بازارها، از جمله بازارهای مسکن، خودرو و ارز هستیم.

بازار مسکن تهران باوجود شوک‌های سیاسی و اقتصادی اخیر، در انتهای خرداد شاهد کاهش قیمت بوده، مستأجران کمتر جابه‌جا شده‌اند و در نتیجه اخراج بخشی از مهاجران غیرقانونی در برخی شهرها، تقاضا کاهش یافته و افزایش نسبی عرضه از تحولات اخیر این بازار بوده است. تحلیلگران بازار مسکن معتقدند بازگشت رونق نیازمند ثبات سیاسی، حمایت دولت و هماهنگی سیاست‌های اقتصادی است تا شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاران فراهم شود.

در کنار این تحولات، بازار ارز نیز پس از شوک‌های اولیه ناشی از جنگ، به دلیل مدیریت تقاضا و تعدیل تدریجی نرخ دلار، از شوک چشمگیر و ناگهانی مصون مانده است. کارشناسان می‌گویند با تخلیه تدریجی فشارهای تورمی و کنترل تقاضای سفته‌بازانه، امید می‌رود بازار ارز به ثبات نسبی دست یابد؛ ثباتی که پیش‌نیاز اطمینان سرمایه‌گذاران و رونق تولید است. در بازار خودرو که با شوک کاهش شدید تقاضا روبه‌رو بود و رکود بر این بازار حاکم بوده، فعالان بازار می‌گویند شاهد افزایش تقاضا اما بدون افزایش قیمت هستیم. «فرهیختگان» در گفت‌وگو با کیانوش گودرزی، رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران، سعید لطفی عضو هیئت‌مدیره اتحادیه املاک تهران، امیرحسن کاکایی استاد دانشگاه و کارشناس صنعت خودرو، علی خسروانی نایب‌رئیس اتحادیه خودرو، حسن حسن‌خانی کارشناس اقتصادی و احمد صالحی پژوهشگر اقتصادی به تحلیل وضعیت موجود بازارها و پیش‌بینی آن‌ها پرداخته است. به گفته کارشناسان، گرچه شرایط فعلی مطلوب نیست، اما جمله امیدوارکننده این است که «شرایط می‌توانست بدتر از این باشد» نمونه قابل‌رؤیت این وضعیت، نوسان دلار در طول دوره جنگ است که برخلاف سال ۱۳۹۷ ما شاهد رشد ناگهانی و افسارگسیخته آن نبودیم. به گفته کارشناسان، ترکیبی از تعدیل نرخ ارز در دو سال اخیر و نزدیک شدن نرخ ارز بازار به نرخ حقیقی، به همراه کاهش قدرت خرید خریداران سرمایه‌ای و حتی سفته‌بازان، موجب شده ما شاهد نوسان شدید در نرخ ارز و بازار دارایی‌ها نباشیم. در این میان، مدیریت ارزی و مدیریت واردات از سوی دولت نیز قوام‌بخش ثبات نسبی در بازار ارز بوده که خود محرک سایر بازارهاست.

پیشنهاد کارشناسان این است که ۱- دولت مانع تداوم وضعیت بلاتکلیفی و عدم اطمینان در تصمیم‌گیری‌های فعالان اقتصادی و ۲- عمیق‌تر شدن رکود شود.

شوک جنگ به‌اندازه شوک سال ۹۷ نبود

احمد صالحی، پژوهشگر اقتصادی در گفت‌وگو با ا«فرهیختگان» اظهار داشت: «بنده در بهمن‌ماه گذشته در گفت‌وگویی اعلام کردم با هر اقدامی که انجام شود، دیگر شاهد تکرار اتفاقات سال ۱۳۹۷ نخواهیم بود. آن زمان دلار حدود ۴ هزار تومان بود و من توضیح دادم که در سال ۹۷، دلار از حدود ۴ هزار تومان به ۱۸ هزار تومان رسید که افزایش تقریباً ۴٫۵ تا ۵ برابری بود. پیش‌بینی کردم که حتی اگر ترامپ هر کاری بکند، چنین جهشی مجدد رخ نخواهد داد. اکنون، این پیش‌بینی قابل اندازه‌گیری و ارزیابی است؛ چراکه آخرین شوک عمده یعنی جنگ رخ داده است.»

وی افزود: «در چهار سال منتهی به جنگ اخیر، نرخ دلار بر اساس تفاوت تورم میان دلار و ریال تعدیل شده است. منظورم این است که اختلاف نرخ تورم این دو ارز در نرخ دلار وارد شد و این روند به شکلی منطقی و تدریجی عمل کرد. مثالی که می‌توانم بزنم، نرخ دلار در مرداد ۱۴۰۲ است که با فرض میانگین تورم ۴۰ درصد برای هر دو ارز، به حدود ۹۸ هزار تومان رسید. این بدان معنی است که همه اختلاف تورمی که بین دلار و ریال وجود داشت، به‌صورت کامل در نرخ ارز بازتاب یافت و دیگر انرژی لازم برای جهش ناگهانی نرخ دلار باقی نمانده است. در واقع، شوک سال ۹۷ ناشی از ترکیدن حبابی بود که از سال ۹۲ تا ۹۶ به دلیل ثابت نگه‌داشتن نرخ دلار و انباشت تورم ایجاد شده بود. این حباب مانند بادکنکی بود که با خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌ها، ترکید و بازار ارز دچار نوسانات شدید شد. اما در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴، با تعدیل تدریجی و کنترل نرخ ارز، این انباشت تورمی تخلیه شده است.»

۳ اقدام ضروری برای حفظ آرامش در بازار ارز

صالحی ادامه داد: «مدیریت بانک مرکزی در بازار ارز در این میان نقشی کلیدی داشته است. در کوتاه‌مدت، اقدامات بانک مرکزی برای مدیریت تقاضا، از جمله بستن درگاه‌های رمزارزها و کنترل واردات کالاهای لوکس باعث کاهش فشار بر بازار ارز شد. به‌ویژه در شرایط جنگی، تقاضا برای واردات کالاهای غیرضروری به‌شدت کاهش یافت و بازار ارز از هیجانات کاذب مصون ماند. بازار ارز غیررسمی عمدتاً ناشی از تقاضای تجاری و واردات کالاهای لوکس است. این تقاضا به دو دلیل عمده شکل می‌گیرد: اول، حفظ ارزش دارایی‌ها و دوم، تقاضای تجاری کالاهایی که به‌صورت رسمی ارز دریافت نمی‌کنند. در شرایط کنونی، با کنترل قاچاق و مبارزه با کم‌اظهاری صادرکنندگان و بیش‌اظهاری واردکنندگان، می‌توان بخش عمده‌ای از این تقاضا را مدیریت کرد و عمق بازار غیررسمی را کاهش داد. برای حفظ آرامش و ثبات در بازار ارز، لازم است اولاً در میان‌مدت، نرخ دلار به سطح تعادلی نزدیک شود (نرخ ارز حقیقی) و از فشار تورمی فاصله نگیرد. دوم اینکه در کوتاه‌مدت، مدیریت تقاضا با کنترل قاچاق و محدودسازی تقاضاهای سفته‌بازانه انجام شود و نکته سوم اینکه، تقاضای تجاری که بخش عمده بازار غیررسمی را تشکیل می‌دهد، با تسهیل واردات رسمی و کنترل دقیق گمرک کاهش یابد.»

بازگشت آرام بازار خودرو

علی خسروانی، نایب‌رئیس اتحادیه خودرو در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اظهار داشت: «به نظر می‌رسد که کم‌کم خرید و فروش در بازار خودرو به روال عادی بازمی‌گردد. در گذشته، هرچند ثباتی نسبی در قیمت‌ها دیده می‌شد، اما این ثبات به معنای نبود معامله بود که خود نشانه خوبی نیست. اولین نشانه بازگشت اعتماد به بازار، از سرگیری معاملات است. هم‌اکنون شاهد افزایش تقاضا برای خرید خودرو هستیم و قیمت‌ها نیز روند افزایشی ندارند. این شرایط بیانگر آرامش نسبی در بازار است؛ چراکه معاملات جریان دارد و قیمت‌ها تثبیت شده‌اند. البته تعطیلات اخیر تا حدی روند بازار را کند کرد، اما امروز دوباره تقاضا افزایش یافته است.»

وی افزود: «بازارها ارتباط مستقیمی با میزان اطمینان مردم به شرایط امنیتی کشور دارند. هرچقدر آرامش در جامعه بیشتر باشد، بازارها نیز به تبع آن وضعیت بهتری پیدا می‌کنند. در واقع بازار بازتاب نگرش و احساسات مردم است؛ وقتی ذهن جامعه آرام شود، بازار نیز وضعیت متعادلی خواهد داشت و تقاضا برای خرید افزایش می‌یابد. بنابراین، در شرایط کنونی، ضروری است که رسانه‌ها و مراجع رسمی از انتشار اخبار تنش‌زا و ناامیدکننده خودداری کنند تا آرامش به جامعه و بازارها بازگردد. نیروهای مسلح نیز با هوشیاری کامل مراقب شرایط هستند. اگر این روند حفظ شود، نیازی به اقدامات ویژه دیگری برای بهبود بازار نیست.»

اصلاح قیمت کارخانه، هیجان خرید خودرو را از بین برد

امیرحسن کاکایی، استاد دانشگاه و کارشناس صنعت خودرو در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اظهار داشت: «ابتدا باید روشن کنم که «ثبات» همیشه به معنای وضعیت خوب نیست. مثلاً در بازار خودرو مدت‌هاست ثبات وجود دارد، اما این ثبات در واقع با رکود شدید همراه شده است. معمولاً تعادل در بازار خوب است، اما این تعادل بسته به نقطه‌ای که در آن قرار دارد می‌تواند مثبت یا منفی باشد؛ یعنی تعادل در نقطه پایین بازار معنای خوبی ندارد. در بازار مسکن نیز وضعیت مشابهی داریم؛ ثبات هست، اما این ثبات به معنای شرایط مساعد برای خریداران نیست. تولید نیز وضعیتی بحرانی دارد. جالب اینجاست که این وضعیت نه‌تنها به جنگ مرتبط نیست، بلکه حتی اگر جنگ هم نبود، باز در همین شرایط قرار داشتیم.»

وی افزود: «قیمت خودروهای داخلی به حدی بالا رفته که تقریباً به قیمت بازار آزاد نزدیک شده است، در حالی که درآمد مردم به شدت کاهش یافته است. این کاهش درآمد مربوط به امسال نیست بلکه روندی است که حداقل ۱۵ سال ادامه داشته و در سال‌های اخیر به ویژه امسال شدت یافته است. به همین دلیل بازار خودرو به رکود عمیق فرو رفته است. یکی از عواملی که تا پیش از این مانع رکود شدید شده بود، هیجانات خرید از کارخانه‌های خودروسازی بود؛ وقتی اختلاف قیمت بین کارخانه و بازار زیاد است، انگیزه خرید از کارخانه بالاست. اما با کاهش این اختلاف، هیجان خرید هم کاهش یافته است.»

کاکایی تصریح کرد: «از طرفی، بحث واردات خودرو و ثبات نسبی قیمت دلار در چند ماه اخیر هم روی بازار اثر گذاشته است. دلار طی سه ماه گذشته در محدوده ۸۰ هزار تومان نوسان داشته و در این شرایط قیمت‌ها در بازار آزاد هم تابع نرخ ارز است و تغییر زیادی نکرده است.» این استاد دانشگاه ادامه داد: «رفتار مصرف‌کنندگان ایرانی قابل توجه است؛ در شرایط تورم بالا، مردم تمایل دارند سریع خرید کنند، اما وقتی رکود ایجاد می‌شود، برعکس عمل می‌کنند و از خرید اجتناب می‌کنند. این رفتار اجتماعی در بسیاری از کشورهای دیگر عکس است. یکی از نکات مهمی که کمتر به آن پرداخته شده، وابستگی شدید درآمد مردم ایران به تورم است. وقتی تورم بالا می‌رود، رونق اقتصادی نسبی ایجاد می‌شود و وقتی تورم کاهش می‌یابد، بسیاری از کسب‌وکارها با مشکل مواجه می‌شوند.»

اصلاح قیمت خودرو بازار را راکد می‌کند

وی در پایان یادآور شد: «در حوزه خودرو، اگر قیمت‌ها اصلاح شوند (مثلاً قیمت ایران‌خودرو و سایپا ۲۵ تا ۳۰ درصد افزایش یابد)، احتمالاً بازار کاملاً راکد خواهد شد و تولیدکنندگان با مشکل فروش مواجه می‌شوند. این موضوع نشان‌دهنده فاصله زیاد بین درآمد مردم و قیمت‌های بازار است. در نهایت باید گفت که اقتصاد ایران با تورم‌های بالا و پشت سر هم مواجه بوده است. در هفت سال گذشته تورم به طور متوسط بالای ۴۰ درصد بوده که سابقه نداشته است. این تورم سنگین باعث تشدید فقر در جامعه شده و فاصله طبقاتی را عمیق‌تر کرده است. با وجود برخی ثبات‌ها، مشکلات اساسی اقتصاد ایران همچنان پابرجاست؛ افزایش هزینه‌های تولید، محدودیت دسترسی تولیدکنندگان به ارز، و سیاست‌های نامنسجم دولت و مجلس همگی باعث شده‌اند وضعیت اقتصادی روند مطلوبی را طی نکند.»

راز افزایش عرضه مسکن در هفته‌های اخیر

یکی از بازارهایی که روندها در آن وضعیت معکوسی را در دوره جنگ ۱۲روزه اخیر تجربه کرده، بازار مسکن است. براساس داده‌های آگهی معاملات مسکن، میانگین قیمت پیشنهادی فایل‌های فروش مسکن در شهر تهران که تا انتهای اردیبهشت به بیش از ۱۰۲ میلیون تومان رسیده بود، در انتهای خردادماه با کاهش قابل توجهی به حدود ۹۳ میلیون تومان رسیده است. این کاهش بیش از ۸٫۵ درصدی قیمت در آگهی‌های فروش مسکن طی یکماه، از ۱۳۹۲ تاکنون بی‌سابقه بوده است.

کیانوش گودرزی، رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اظهار داشت: «پیش‌بینی‌های اولیه حاکی از آن بود که بازار مسکن تهران در سال ۱۴۰۴ به ثبات نسبی برسد. این پیش‌بینی بر اساس رشد قابل‌توجه قیمت‌ها در سال‌های گذشته و کاهش توان خرید قشرهای آسیب‌پذیر، کارمندان و کارگران صورت گرفته بود. پیش از آغاز جنگ ۱۲روزه اخیر، برآورد ما این بود که میانگین افزایش قیمت مسکن در تهران نسبت به سال گذشته حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد باشد و تنها در یکی دو منطقه، این افزایش به حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد برسد. با این حال، اتفاقات اخیر روندها را در بازار مسکن تغییر داد. ما انتظار داشتیم در تهران با رسیدن بازار به نوعی ثبات، دغدغه‌ها در حوزه اجاره کاهش یابد. هرچند رکود شغلی در بخش مشاوران املاک نیز یکی از عوامل مؤثر در شرایط فعلی بازار است. پس از جنگ اخیر و آغاز فصل سفر، بسیاری از مستأجران ترجیح دادند قراردادهای خود را تمدید کنند و جابه‌جایی نداشتند. از سوی دیگر، خروج اتباع غیرمجاز از تهران، به‌ویژه در مناطق جنوبی مانند راه‌آهن، منطقه ۱۵، منطقه ۱۷، شهرک مشیریه و نواحی صنعتی، باعث افزایش نسبی عرضه واحدهای اجاره‌ای در این مناطق شد. بر اساس گزارش‌هایی که از مشاوران املاک دریافت کرده‌ایم، فایل‌های اجاره در این مناطق وجود دارد، اما تقاضا برای آن‌ها کاهش یافته است.»

چند توصیه برای معاملات مسکن

گودرزی یادآور شد: «در شرایط فعلی، با ثبات نسبی قیمت‌ها امید داریم بازار دوباره رونق بگیرد. همچنین به مردم توصیه می‌کنیم که هنگام مراجعه به واحدهای صنفی مطمئن شوند آن واحد دارای مجوز رسمی فعالیت است. درصورتی‌که پرداختی صورت می‌گیرد، مبلغ تنها باید از طریق دستگاه کارت‌خوان متعلق به همان واحد صنفی و به نام صاحب پروانه واریز شود تا از بروز مشکلات احتمالی جلوگیری شود. همیشه به مردم سفارش کرده‌ایم مراقب حقوق یکدیگر باشند و در معاملات خود با دقت و مسئولیت عمل کنند.»

دولت نقش فعال‌تری در بازار مسکن ایفا کند

سعید لطفی، عضو هیئت مدیره اتحادیه املاک تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تصریح کرد: «بازار مسکن یکی از حوزه‌هایی است که به شدت تحت تأثیر عوامل اقتصادی و سیاسی قرار دارد و معمولاً نسبت به تغییرات، واکنش‌های سریع نشان می‌دهد. معمولاً سرمایه‌گذاران در این بازار در مواجهه با نوسانات و عدم اطمینان، زود دچار ترس شده و از ورود یا ادامه فعالیت در این حوزه منصرف می‌شوند. هر زمان که شرایط اقتصادی و سیاسی به سمت آرامش حرکت کند، فعالان و سرمایه‌گذاران با اطمینان بیشتری وارد بازار مسکن می‌شوند و این موضوع باعث رونق این بخش و به تبع آن رشد اقتصاد کلان کشور خواهد شد. به همین دلیل حفظ ثبات سیاسی و فراهم کردن شرایط مناسب، نقش بسیار مهمی در جذب سرمایه‌گذاران دارد.»

وی افزود: «اما نکته مهم‌تر این است که چه تدابیری باید اندیشیده شود تا این آرامش در بازار مسکن پایدار بماند. علاوه بر ثبات سیاسی که بیشتر بر عهده نهادهای بالادستی است، دولت باید نقش فعال‌تری در کنترل قیمت‌ها و حمایت از سازندگان ایفا کند. با توجه به مشکلاتی مانند افزایش قیمت مصالح ساختمانی، کمبود برق و افزایش تقاضا، قیمت تمام‌شده مسکن روز به روز افزایش می‌یابد و این مسئله باعث کاهش قدرت خرید مردم و بی‌ثباتی بازار می‌شود. دولت باید با ارائه طرح‌های حمایتی، اعطای تسهیلات و کمک به تأمین مصالح، فشار بر سازندگان را کاهش دهد تا بتوانند پروژه‌های خود را با هزینه معقول به پایان برسانند. همچنین کاهش هزینه‌های غیرضروری مانند عوارض شهرداری و فشارهای سازمان نظام مهندسی می‌تواند به سازندگان کمک کند تا بازار مسکن از نابسامانی‌های فعلی رهایی یابد. درنهایت، ثبات و رونق در بازار مسکن تنها با همکاری و حمایت همه‌جانبه دولت، نهادهای مربوطه و فعالان بخش خصوصی ممکن خواهد بود و این امر می‌تواند چرخه اقتصادی کشور را بهبود بخشد.»

۴ پیشنهاد برای آمادگی اتاق اقتصاد جنگ

حسن حسن‌خانی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اظهار داشت: «همواره پدیده‌هایی مانند جنگ سبب ایجاد شوک در بازارها به خصوص بازار دارایی‌هایی مثل ارز و طلا می‌شود و با فروکاهش جنگ، طبیعتاً تب بازارها نیز فروکش می‌کند. در شرایط فعلی و با توجه به احتمال پایین شرارت مجدد رژیم صهیونی، اوضاع رو به آرامش و ثبات است اما این جنگ نشان داد اقتصاد ایران نیازمند آمادگی بیشتری برای شرایط جنگی است. برخی از اقدامات لازم برای بهبود اقتصادی کشور فارغ از اینکه مجدداً تجاوز رژیم صهیونی شروع بشود یا نه را می‌توان فهرست کرد.

۱) اولین اقدام، هماهنگ‌سازی و پایداری سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری است. ما در کشور، مرکزی برای ایجاد وحدت فرماندهی و هماهنگی در این چهار حوزه سیاستی نداریم. عمدتاً سیاست‌های پولی، خنثی‌کننده سیاست‌های ارزی، و این دو خنثی‌کننده و متعارض با سیاست‌های تجاری و مالی هستند.

۲) در شرایط جنگ اقتصادی و نظامی لازم است به شدت از ایجاد تعارض منافع میان دستگاه‌های دولتی در اثر اتخاذ سیاست‌ها جلوگیری شود. به طور مشخص نباید سیاست پرداخت ارز ترجیحی باعث ایجاد تعارض منافع میان وزارت صمت، وزارت جهاد و وزارت بهداشت با یکدیگر و با بانک مرکزی شود.

۳) در عین حفاظت از سامانه‌های داده‌ای ملی، لازم است میان این سامانه‌ها هماهنگی ایجاد شود. به عنوان مثال هنوز میان سامانه گمرک و سامانه جامع تجارت و بین این دو سامانه با سامانه مودیان هماهنگی وجود ندارد.

۴) ارتقای امنیت سایبری به ویژه در حوزه بانکی یکی از مهم‌ترین اقدامات برای ثبات‌بخشی به اقتصاد کشور پس از جنگ است. متأسفانه برخی بانک‌های کشور در جنگ ۱۲روزه مورد حملات سایبری قرار گرفتند و مشخص شد این بانک‌ها در مقابل حملات سایبری آسیب‌پذیر بوده و خلأهایی در سیستم امنیت سایبری آن‌ها وجود داشته است.

چرا دشمنی آمریکا نه با جمهوری اسلامی؛ بلکه با ایران مستقل و قدرتمند است؟

مهار چین از مسیر کلنگی کردن ایران

سید احسان حسینی
خبرنگار گروه اقتصاد

در مواجهه با تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اقدامات نظامی این کشور علیه تأسیسات هسته‌ای ایران یک پرسش در اذهان عمومی همچنان بدون پاسخ باقی مانده؛ دلیل دشمنی آمریکا با ایران چیست؟ گروهی معتقدند هدف ایالات متحده بر تجزیه ایران متمرکز شده در نتیجه ریشه درگیری طرفین صرفاً به ایدئولوژی و آرمان‌های جمهوری اسلامی محدود نمی‌شود. به بیان ساده آمریکا با موجودیتی به نام ایران مستقل و قدرتمند در محدوده جغرافیایی فعلی دشمنی و مخالفت دارد. در پاسخ، گروه دیگری معتقدند که اگر دشمنی آمریکا با موجودیتی به نام ایران باشد، پس چرا در دوره پهلوی (که جمهوری اسلامی وجود نداشت) روابط دو کشور برقرار بود و در واقع دوره پهلوی مثال نقضی بر ادعای گروه اول قلمداد می‌شود.

ظهور چین نقطه عطف تغییر رفتار آمریکا با ایران

البته این موضوع محل مناقشه جدی است که آیا رژیم پهلوی واقعاً یک حکومت مستقل و قدرتمند بوده است یا خیر؟ زیرا وابستگی سیاسی رژیم گذشته به آمریکا به‌عنوان ژاندارم منطقه و اشغال آن در جنگ جهانی دوم به‌خوبی دو شاخص «مستقل» و «قدرتمند» بودن را زیر سؤال می‌برد. اما فارغ از ماهیت رژیم پهلوی، نگاه آمریکا به ایران متناسب با شرایط نظام بین‌الملل و چینش قدرت‌ها در هر دوره زمانی قابل‌تغییر است، به بیان ساده تنها متغیر تعیین‌کننده در رفتار آمریکا با ایران، رفتار خود ایران نیست؛ به‌خصوص که قبل وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ نه حکومت شوروی فروپاشیده و نه خبری از ظهور اژدهای چینی در اقتصاد دنیا بود.

به زبان آمار، در سال وقوع انقلاب اسلامی تولید ناخالص داخلی چین، ۱۷۸ میلیارد دلار بود و تولید ناخالص داخلی آمریکا ۲۶۲۷ میلیارد دلار؛ یعنی حدود ۱۵ برابر چین. اما اکنون چین بعد از آمریکا دومین اقتصاد بزرگ دنیاست که تهدیدی معتبر برای پایان هژمونی و نظم آمریکایی؛ به گونه‌ای که در اسناد امنیت ملی آمریکا هیچ اولویتی بالاتر از مهار چین برای ایالات متحده تعریف نشده است.

منافع انرژی چین و ایران مکمل هم و در تقابل با آمریکا

اما ارتباط «جهش اقتصاد چین» با «دشمنی آمریکا با ایران» چیست؟ طبق آمارهای مؤسسه EI، چین با ظرفیت تولید برق خورشیدی معادل ۶۱۰ گیگاوات با اختلاف بزرگ‌ترین تولیدکننده برق خورشیدی دنیاست که سالانه ۱۴۳ میلیارد دلار محصولات خورشیدی صادر می‌کند. افزایش ظرفیت برق خورشیدی چین در سال ۲۰۲۳ معادل ۲۱۶ گیگاوات بوده که از کل ظرفیت آمریکا به عنوان دومین تولیدکننده بزرگ برق خورشیدی با توان ۱۳۹ گیگاوات، بیشتر است.

در حوزه انرژی فسیلی نیز آمریکا با مجموع تولید ۳۰٫۶ میلیون بشکه نفت خام و گاز در روز، با اختلاف بزرگ‌ترین تولیدکننده منابع هیدروکربوری دنیاست و چین با واردات ۱۳٫۴ میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی، بزرگترین واردکننده منابع هیدروکربوری محسوب می‌شود.

نقشه آمریکا برای مهار چین در حوزه انرژی به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- متوقف کردن توسعه انرژی خورشیدی چین با اعمال تعرفه‌ها؛ که اکنون بیش از ۱۲ سال است بر صنعت تجدیدپذیر این کشور اعمال می‌شود.

۲- وابسته کردن چین در تأمین نفت موردنیاز به خود.

اما منافع ملی ایران در حوزه انرژی و در نسبت با اصلی‌ترین اولویت امنیت ملی آمریکا یعنی مهار چین، چگونه تعریف می‌شود؟ چین در شرایط تحریمی و غیرتحریمی همواره بزرگ‌ترین و سنتی‌ترین خریدار نفت ایران بوده و در سال ۲۰۲۴ نیز بزرگ‌ترین تامین‌کننده نفت چین از مسیر دریا بوده است. در نتیجه ایران به‌عنوان یک کشور مستقل و قدرتمند برنامه آمریکا برای ضربه به امنیت نفت چین را برهم می‌زند.

همچنین ایران برای تأمین آینده انرژی خود، به توسعه انرژی‌های سبز نیازمند است که اکنون چینی‌ها با هزینه‌ای ۴۰ درصد پایین‌تر از سایر کشورها، این خدمات را می‌توانند به ایران ارائه دهند. پس دقیقاً نیاز چین در واردات نفت و صادرات محصولات خورشیدی، با نیاز ایران به خرید محصولات خورشیدی و صادرات نفت کاملاً مکمل و منطبق شده است. اما منافع ملی ایران در بازار نفت برخلاف منافع ملی آمریکا تعریف می‌شود؛ به‌گونه‌ای که اصلی‌ترین هدف ترامپ برای خروج از برجام، حذف نفت ایران از بازار نفت برای بازاریابی برای تولید نفت شیل آمریکا بوده؛ موضوعی که بیژن زنگنه وزیر اسبق نفت به آن اذعان کرده است.

تمایل آمریکا برای سیطره بر تنگه هرمز

یکی دیگر از لبه‌های درگیری آمریکا و چین که منافع ایران برخورد می‌کند؛ موضوع تنگه هرمز است. طبق گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا، چینی‌ها برای تأمین ۶۰ درصد از نفت وارداتی خود به تنگه هرمز وابسته هستند درحالی‌که وابستگی آمریکا به این تنگه تقریباً صفر است. جانمایی ایران به‌عنوان یک کشور مستقل و قدرتمند در شمال خلیج‌فارس و تنگه هرمز می‌تواند نقشه آمریکا برای ضربه به امنیت انرژی چین را اجرایی کرده؛ بلکه حتی خنثی می‌کند؛ زیرا در شرایط عادی؛ منافع ایران در تعامل نفتی حداکثری با چین به‌عنوان خریدار سنتی نفت خود در تنگه هرمز تعریف می‌شود؛ موضوعی که دقیقاً عکس هدف‌گذاری آمریکا برای مهار چین است. هم‌اکنون چینی‌ها در یک نقطه گلوگاهی دیگر به نام تنگه مالاکا، وابستگی امنیتی به آمریکا و متحدانش برای تأمین ۸۰ درصد از نفت وارداتی خود دارند و تنگه هرمز می‌تواند به گلوگاه دوم برای فشار آمریکا به چین تبدیل شود.

ضربه به جادهٔ ابریشم جدید با ایجاد ایران کلنگی

هم‌اکنون جنگ قدرت بین چین و آمریکا در دو طرح کریدوری بزرگ به نام «جاده ابریشم جدید چین» و «کریدور آی‌مِک» خلاصه می‌شود. جاده ابریشم جدید، ابتکار چین برای دسترسی به بازارهای اروپا از مسیر خشکی است که این کریدور برای تکمیل به مسیر ایران نیازمند است. وجود یک ایران مستقل و قدرتمند، برای آمریکا معنایی جز اجرای کریدور BRI یا جاده ابریشم جدید چین ندارد که این موضوع یعنی تضعیف طرح کریدوری آی‌مِک. در نتیجه طبیعی است که مطلوب آمریکا برای مهار طرح کریدوری چین و ضربه به امنیت انرژی این کشور، وجود یک ایرانِ کلنگی و وابسته به خود باشد نه یک ایران مستقل و قدرتمند.

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم